

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد  
۲۳ مارچ ۲۰۲۵

## چهارم فروردین-حمل- از نگاهی دیگر

روزها در چهارچوب‌های فکری افراد و تجمعات سیاسی، معنا و اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند؛ روزهایی که می‌توان آن‌ها را به عنوان نقطه آغاز مسیری تازه، انحراف یا حتی ضربه مهلک از سوی جانان بشریت به یک مسیر سازنده دانست. آشکار است که هر یک از افراد با دیدگاه‌های متفاوت به نوعی با این موضوع آشنا هستند و در عین حال تجسم روشنی از تلخی‌های مبارزاتی علیه نظام‌های سرمایه‌داری دارند. تاریخ جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ئی، همراه با جنبش کمونیستی ایران، همواره با این رویدادها و حوادث تلخ روبه‌رو بوده است. یکی از این روزهای تلخ و فراموش‌نشده، چهارم فروردین ۱۳۶۱ بود. در این روز پنج چریک فدائی خلق [محمد حرمتی‌پور، اسد رفیعیان، عبدالرسول عابدی، حسن عطاریان و جواد رجبی در جنگل (خی‌پوست) مازندران، پس از چندین ساعت مقاومت و درگیری نابرابر با نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند.

پر واضح است که گفته‌ها و نوشته‌ها مربوط به این روز و دیگر روزهایی که هزاران کمونیست و مبارز در برابر سردمداران نظام جمهوری اسلامی در میدان‌های متفاوت طبقاتی ایستادند و تسلیم نشدند، بسیار فراوان است. با وجود تفاوت‌های سیاسی و تئوریک همه این‌ها ارزشمندند و به‌عنوان بخشی از تاریخ جنبش ایران، به‌ویژه جنبش کمونیستی ایران، محسوب می‌شوند؛ زیرا جامعه ایران مانند دیگر جوامع سرمایه‌داری متشکل از طیف‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی است. از این رو، بدون در نظر گرفتن نقش یکایک آن‌ها، بدون پیوستگی و همکاری سیاسی میان طبقه کارگر و سایر اقشار ستمدیده، و نیز بدون حضور، اتحاد و تعامل با دیگر نمایندگان سیاسی، جنبش‌های اعتراضی با موانع ساختاری نظام امپریالیستی روبه‌رو خواهند شد. موضوع آشکار و به واقع تأسفانگیزی که دهه‌هاست جنبش ایران، علی‌رغم ادعای پایبندی به اصول موازین کمونیستی، توسط تجمعات و دستجات سیاسی خارج از کشور با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

در هر صورت، یادمان چهارم فروردین امسال را می‌توان [به‌طور چکیده] از این زاویه مورد پی‌جویی قرار داد و این‌گونه ورود کرد که ارج نهادن به چنین روزهایی مستلزم رعایت کدام رفتار و کردار سیاسی، تئوریک و همچنین تا حدی بیشتر نیازمند توجه به کدام ساختارهای اقتصادی و سیاسی است؟

پیش از ورود به موارد بالا، باید تأکید شود که در این روز [چهارم فروردین] چریک‌های فدائی خلق ایران (ارتش رهانیخس خلق‌های ایران) پس از گذر از مراحل مبارزه نظری و عملی و پس از جدائی از جریان «چفخا»، سیاست‌ها

و بنیان‌های عملی را شکل دادند که با وجود گذشت چند دهه، همچنان به‌جهت باروری آرمان کمونیستی و همچنین چگونگی سازماندهی به‌منظور بسیج توده‌ئی و رهائی از ستم امپریالیستی قابل‌توجه است. منظور این است که بیش از چهار دهه از عمر آن می‌گذرد، اما جامعه ایران از جهات مختلف مشتاق حضور و بازگشت کمونیست‌هایی است که در دهه نخست نظام جمهوری اسلامی نقش‌آفرینی کرده‌اند. حضور و تعامل کمونیست‌ها و مبارزان با جنبش مسلحانه چند ساله توده‌های ستمدیده کردستان، همراه با فعالیت‌های چهارده‌ماهه چریک‌های فدائی خلق (ارتش رهاییبخش خلق‌های ایران) و همچنین تحركات رفقای سرداران [م. ل. م] در جنگ‌های مازندران و سایر نقاط، با وجود محدودیت‌ها و کاستی‌های سیاسی، تئوریک و عملی، نقش برجسته‌ای در پیشبرد وظایف انقلابی و کمونیستی مقابله با ارگان‌های سرکوبگر نظام جمهوری اسلامی ایفا کردند.

توضیح کوتاه این که، نظام جمهوری اسلامی هم‌زمان با اعتراضات، اعتصابات کارگری و توده‌ئی، جوانان و زنان، با اقدامات عملی کمونیست‌ها و مبارزان در گوشه و کنار جامعه ایران مواجه بوده است. درگیری‌های مسلحانه کمونیست‌ها با دار و دسته‌های مسلح نظام جمهوری اسلامی در کردستان، ترکمن‌صحرا، بلوچستان، شمال، لرستان و دیگر نقاط ایران [با وجود اختلافات دیدگاهی] نشان‌دهنده حضور فعال آن‌ها، ارتباط و از همه مهم‌تر، درک عملی وظایف کمونیست‌ها در برابر تعرض‌کنندگان به کارگران، زحمتکشان و دیگر اقشار محروم جامعه بوده است. بی‌تردید نظام جمهوری اسلامی از وجود و به‌ویژه عملیات مسلحانه نیروهای کمونیستی در نقاط ایران خرسند نبوده است. آگاه بود که رشد و تقویت این جریان‌ها می‌تواند زمینه‌های فعالیت عملی کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان را افزایش دهد و نظام جمهوری اسلامی را با مشکلات جدی مواجه سازد. بر همین مبنا، به بودجه‌های کلان نظامی افزوده و سازمان‌های مسلح متفاوت را سازماندهی کرده و نیز با اعزام نیروها و لشکرکشی به مناطق کردستان و ترکمن‌صحرا، در صدد سرکوب مبارزان و کمونیست‌ها در جنگ‌های شمال ایران بر آمد.

شک نیست که در آن زمان جامعه با دو فضای سیاسی موازی مواجه بود. از یک سو، کارگران، زحمتکشان و زنان برای دستیابی به حقوق پایمال‌شده خود در برابر سران جمهوری اسلامی ایستادند و از سوی دیگر، نیروهای کمونیستی و انقلابی هر یک به سهم خود به مقابله عملی با ارگان‌های مسلح و حافظ بقای نظام امپریالیستی پرداختند. نتیجه این که جنبش‌های اعتراضی ماندگارتر و بیشتر شده و همچنین بعد تازمتری به خود گرفته است. ولی به مدت چهل سال است که جامعه ایران با نبود حضور سازمان‌یافته کمونیست‌ها، مبارزان و نمایندگان سیاسی مردم در داخل کشور در رنج است. درست است که نظام جمهوری اسلامی صدمات بسیار فراوانی به جنبش کمونیستی ایران وارد کرده است. همچنین واضح است که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی فاقد ظرفیت به رسمیت شناختن پایه ئی‌ترین خواسته‌ها و مطالبات کارگری و توده‌ئی هستند و جوابشان دستگیری، تعرض وحشیانه و سازمان‌یافته است. درست است که سرکوب از جمله سیاست‌های محوری نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید و استمرار آن و بدون اعمال روزانه این رویکرد امکان‌پذیر نیست. ویژگی که مختص تمامی نظام‌های وابسته و مبتنی بر خشونت است. همچنین مواردی که برای توده‌های ستمدیده ایران ناآشنا نیست و فراموش نشده است که پیش از به قدرت رسیدن نظام فعلی، جامعه ایران شاهد حضور کمونیست‌ها و مبارزان مطابق با قانون‌مندی حاکم بوده است.

در واقع، جنبش‌های مسلحانه توده‌ئی و همچنین فعالیت‌های عملی کمونیست‌ها و مبارزان در مناطق مختلف، از جمله جنگ‌های مازندران، بر مبنای درکی عمیق از ساختار اقتصادی و سیاسی شکل گرفت. این جنبش‌ها نشان دادند که نمی‌توان ادعای رهائی مردم از زیر سلطه و ستم امپریالیستی را داشت و در عین حال از انجام شیوه‌های مبارزاتی مطابق با قانون‌مندی حاکم در جامعه باز ماند. رفقای جانباخته چهارم فروردین- حمل- سال ۱۳۶۱، با تکیه بر این باور

و دیدگاه عملی، علیه سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به پا خاستند و دست رد به تسلیم‌طلبان، سازشکاران و همدستان نظام زدند.

بنابراین ضروری است که علاوه بر حفظ و زنده نگه داشتن حافظه تاریخی در مورد جانباختگان چهارم فروردین- حمل- و دیگر کمونیست‌ها و مبارزان از دست رفته، این دیدگاه را تقویت و تثبیت کنیم که موفقیت و ثمربخشی انقلاب کارگران و توده‌های ستمدیده وابسته به حضور و واکنش مؤثر کمونیست‌ها و مبارزان در برابر ارگان‌های سازمان‌یافته نظام جمهوری اسلامی و به‌ویژه مربوط به اقدامات عملی و همکاری با گرایش‌های مختلف است. این اصول و موازین بنیادی کمونیست‌ها هستند که متأسفانه با دیدگاه‌های «احزاب» و «سازمان‌هایی» که ادعای برقراری عدالت اجتماعی و رهائی از زیر ستم امپریالیستی را دارند، در تضاد قرار گرفته‌اند.

۲۲ مارچ ۲۰۲۵ / فروردین- حمل- ۱۴۰۴